

## جمع بندی ما در تعریف غناء:

### با توجه به آنچه خواندیم:

تعریف متأخرین از فقهاء اگرچه مستفاد از کلمات لغویون است ولی نمی تواند نشانگر معنای موضوع له لفظ غنا باشد چراکه ذهن فقهای بزرگوار از این حیث با اذهان عرب آن روز هم سان نیست. و مشوب به احکام فقهی و موضوعات روزگار خود است و لااقل اینکه احتمال آن در مورد تعاریف ایشان جدی است.

با توجه به اینکه اقوال لغویون در مورد غنا مشوش است و به گونه ای نیست که باعث اطمینان به یک معنا شود. (چنانکه مرحوم سبزواری<sup>۱</sup> می نویسد همه لذائذ قوای جسمانیه همین گونه هستند و قابل تعریف نیستند. مثلاً کسی نمی تواند «ملاحظت انسان زیبا» را تعریف کند چراکه اینها از اموری است که یدرک و لا یوصف است.)

نمی توان به یک تعریف واحد که مورد اطمینان باشد و مبین غنا در روزگار صدور روایات باشد، در این باره دست یافت. اما علیرغم این می توان به چند نکته در مورد غنا مطمئن بود:

اول) ظاهراً غنا کیفیت صوت است نه نفس صوت. به عبارت دیگر که کیف مسموع است خود دارای عرضی است که کوتاهی و بلندی تناسب و غنایی بودن است.

این مطلب در کلمات فلاسفه مورد اشاره است و از جمله آنها کیفیات مختص به کم، است مثل زوجیت، فردیت، استقامت، انحنای<sup>۲</sup>.

دوم) صفت مطربیت در مفهوم غنا دخیل است. این مطلب مورد اشاره کثیری از لغویون و فقها میباشد. و علیرغم اینکه مرحوم خوبی طرب را در مفهوم غنا دخیل نمی داند ولی شیخ، مرحوم اصفهانی و مرحوم امام به این امر باور داشتند.

سوم) صوت مطرب به معنای صوتی است که باعث ایجاد خفت می شود در حالیکه این خفت ناشی از سرور باشد و ارتباط حزن با طرب قابل احراز نیست. (خصوصاً که مطابق نقل برخی از اهل لغت، عموم



۱. مهذب الاحکام، ج ۱۶، ص ۱۱۴.

۲. ن ک: نهایة الحکمه، ص ۱۱۶.





مردم این کلمه را به سرور اختصاص داده اند و روشن است که ما معنای عرفی غنا را مطالبه می کنیم)  
همین مطلب به صراحت مورد اشاره مرحوم کاشف الغطاء است، ایشان می گویند:

«يمكن أن يقال أن الغناء يتبع القصد عند اجتماع هذه الأوصاف فإن قصد به القارئ و المستمع  
الطرب و اللّهُو و تذكّر المعشوق كان غناء و إن قصد به حزناً أو بكاءً أو مدحاً أو قدحاً لم يكن  
غناء و ربما يساعد ذلك العرف اليوم و لكنه بعيد عن مذاق الفقهاء.»<sup>۱</sup>

چهارم) اینکه آیا مطرب، «مأخوذ در تعریف غنا»، «شأنیت طرب برای متعارف مردم» است (چنانکه امام  
و مرحوم اصفهانی می گفتند)، قابل احراز نیست ولی می توان گفت از آنجا که ظاهراً هیچ صدایی در غیر  
استمرار، مطرب نیست، قید شأنیت را می توان در آن دخیل دانست. اما قید «برای متعارف مردم» قابل  
استفاده از کلمات لغویون نیست.

( اینکه حکم فقهی چیست را در جای خود بررسی می کنیم) اللهم الا ان يقال این که لغوی ها وقتی قیدی را  
نیاورند، مرادشان «برای متعارف مردم» است.

پنجم) اینکه غنا کیفیت صوت انسان است یا اعم از کیفیت صوت انسان و کیفیت صوت حاصل از آلات  
موسیقی است، قابل اثبات نیست. گروهی آنرا کیفیت صدای انسان دانستند ولی در مقابل بسیاری، به صورت  
مطلق آن را تعریف کرده اند.

در این خصوص عبارت فقها هم متنافی است و علیرغم اینکه امام و اصفهانی، موسیقی را غنا ندانسته اند  
بزرگانی مثل شیخ طوسی به صراحت صدای حاصل از آلات موسیقی را غنا دانسته اند.

«الغناء محرم، سواء كان صوت المغنى، أو بالقصب، أو بالأوتار- مثل: العیدان و الطنابیر و النایات  
و المعازف و غیر ذلك- و أما الضرب بالدف فی الأعراس و الختان فإنه مکروه.»<sup>۲</sup>

ششم) «تناسب خارجی با مجالس اهل فسوق» نمی تواند در تعریف غنا دخیل باشد یعنی بعید است عرب،  
غنا را برای «صدای متناسب با مجالس اهل فسوق» وضع کرده باشد.

این مطلب شاهدی هم در کتب لغوی ندارد بلکه ممکن است بگوییم چون وضع غنا مربوط به قبل از اسلام  
و شرایع مقدسه است و فسق مربوط به اسلام است نمی توان مفهوم «اهل فسق» را در آن دخیل دانست لکن

۱. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة - کتاب المکاسب (لکاشف الغطاء، حسن)، ص ۲۱.

۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۶، ص ۳۰۷.



از این مطلب می توان پاسخ داد که می توان مسئله را چنین فرض کرد که عرب این مفهوم را برای «کیفیت صدای متناسب با مجالس خاص» وضع کرده بوده است که بعد از اسلام آن مجالس، مجالس اهل فسوق دانسته شده است.



دین خارج فقه ائمه سید حسن خمینی

